

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۲۳

ارزیابی فضایی توسعه پایدار شهری با رویکرد مدیریت یکپارچه و استفاده از مدل HDI (مطالعه موردی: کلانشهر اهواز)

سید نادر پورموسوی^۱، الیاس مودت^۲

چکیده

رسیدن به توسعه پایدار شهری قبل از هر چیز مستلزم سیستم مدیریت شهری یکپارچه در سطوح مختلف سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا بوده است. امروزه کشورهای در حال توسعه به منظور تقویت زیربنای اقتصادی - اجتماعی خود، راهایی از وابستگی، رفع عدم تعادل های منطقه ای و در نهایت نیل به توسعه منطقه ای پایدار، نیازمند شناسایی امکانات و منابع کشورشان می باشند. بنابراین ابعاد گوناگون و پیچیدگی موضوع ضرورت شناخت میزان توسعه را بیان می کند. در ایران به علت چند جانبه بودن مدیریت شهری ساختار شهری نامناسب، هر روز مسائل پیچیده‌تری را بر مشکلات شهرها افزوده است. زیرا هر سازمانی با توجه به امکانات و بعدکاری خود به مسائل شهری نگاه نموده است. و دیدی جامع وجود نداشته است. بنابراین یکی از اصلی ترین موانع فراروی مدیریت شهری، بخصوص کلانشهرها مانند اهواز و غیره چندپارگی مدیریت شهری در عرصه سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی و هدایت می‌باشد. بر همین مبنا در پژوهش حاضر با رویکرد توسعه ای - کاربردی به بررسی موضوع در کلانشهر اهواز پرداخته است. تا وضعیت توسعه و عدم آن در مناطق مشخص گردد. همچنین جهت ترسیم و تجزیه و تحلیل یافته‌ها از مدل HDI و برنامه SPSS، EXCEL و دیگر برنامه‌های مورد نیاز استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داده است مدیریت یکپارچه شهری در مناطق هشتگانه بر اساس میزان برخورداری و محرومیت در مناطق دارای تفاوت زیادی می باشد به طوریکه میانگین شاخص HDI برابر (۰/۵۶۶) درصد بوده است. که مناطق هفت، یک، پنج و شش از نظر میانگین برخورداری و مدیریت شهری نسبت به دیگر مناطق در شاخص مورد مطالعه در سطح بالای میانگین قرار دارند.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، مدیریت شهری، مدیریت یکپارچه، کلانشهر اهواز.

^۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی جندی شاپور دزفول، دزفول، ایران.

^۲. دانشجوی دکترا، جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

مقدمه

روند توسعه در کشورهای مختلف جهان دارای سلسله مراتب گوناگون است. در داخل یک کشور نیز روند توسعه یافتگی در بین استان‌ها و مناطق مختلف یکسان نیست. توسعه یافتگی استان‌های کشور با توجه به توزیع فضایی ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی مناطق، ممکن است دارای روندی متناسب نباشد (مودت و صفایی پور، ۱۳۹۲: ۲۸). همچنین این نابرابری‌ها حاصل عوامل متعدد تاریخی، طبیعی، جمعیت‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز می‌باشد (امانپور و مودت، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

شهرها کانون‌هایی هستند که انسان‌ها را به همراه نیازها و احتیاجات مختلف شان در خود پذیرفته‌اند و عالی‌ترین نیازهای بشر در آن تبلور عینی یافته است. مجتمع‌های سکونتگاهی که امروزه از آن به عنوان شهر نام برده می‌شود نتیجه‌ی تغییراتی است که طی دوران‌های گوناگون تاریخی به واسطه‌ی عوامل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی بوجود آمده و تحت تأثیر کنش و واکنش‌های حاصل از این عوامل و در تعامل با محیط بیرونی، ویژگی‌ها و عملکردهای متفاوتی را به دست آورده‌اند. شهرها دارای سیستمی پیچیده و پویا هستند. این پیچیدگی ناشی از وجود عوامل و ساخت‌های گوناگونی است که کاملاً با هم در ارتباط‌اند و پویایی آن نتیجه‌ی تعامل و روابط متقابلی است که میان ساختارهای مختلف شهری جریان و تداوم دارد. وجود جنبه‌ها و ساختارهای گوناگون به همراه روابط تنگاتنگ و متقابل میان آنها بقاء و رشد و گسترش شهرها را تضمین می‌کند و خلل در چنین ساختارها و روابطی همراه با عدم مدیریت و هدایت درست آنها، زوال و رشد و گسترش بی‌رویه و لجام‌گسیخته‌ی سکونتگاه‌های شهری را رقم خواهد زد (ملکی، ۱۳۹۲: ۲۰).

از جمله مشکلات در کشورهای جهان سوم، وجود انواع دوگانگی‌های نامطلوب نظیر دوگانگی منطقه‌ای است که به دلایل متعددی در مسیر توسعه یافتگی آنها ایجاد می‌شود. اخیراً سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و پژوهشگران به توسعه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای برای رهایی از این معضل توجه خاصی نموده‌اند. در کشور ایران نیز یکی از اهداف مهم در برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی پس از انقلاب کاهش محرومیت (توسعه نیافتگی) و رفع تبعیض (نابرابری) بین مناطق مختلف بوده است. نخستین قدم در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، شناسایی وضع موجود آن مناطق می‌باشد که این شناسایی مستلزم تجزیه و تحلیل بخش‌های مختلف از جمله اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی و غیره می‌باشد. جهت تخصیص منابع و اعتبارات میان مناطق مختلف شناسایی جایگاه آن منطقه در بخش مربوطه و رتبه‌بندی سطوح برخورداری از مواهب توسعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (قدیر معصوم و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

عدم تعادل در هر ناحیه جغرافیایی ناشی از دو دسته عوامل، یکی درون ناحیه‌ای و دیگری برون ناحیه‌ای می‌باشد (مومنی، ۱۳۷۷: ۳۶). عوامل درون ناحیه‌ای مانند شرایط طبیعی و جغرافیایی حاکم بر ناحیه مانند آب، خاک، اقلیم و ژئومورفولوژی، که هر جا این شرایط مناسب باشد چنین ناحیه‌ای برتری محسوسی خواهد داشت (سرور، ۱۳۸۴: ۷). عوامل برون ناحیه‌ای نیز در پیشرفت یا عدم پیشرفت نواحی تأثیر بسزائی خواهند داشت، این عوامل ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و نوع استراتژی انتخابی جهت توسعه می‌باشد (شکوئی، ۱۳۶۵: ۶۷).



شکل (۱) مثلث توسعه پایدار شهری کمپل

منبع: Compell, 1996

استراتژی رشد قطبی، باعث شده که تمرکز تصمیم‌گیری‌ها در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ، تمامی ابزار مادی، فکری، رشد و توسعه، در اینگونه شهرها جمع شوند. نتیجتاً تمرکز سرمایه در شهرهای بزرگ، رشد روابط سرمایه داری پیرامونی و کمبود زیرساخت‌ها در نواحی را به دنبال داشته است (اعتماد، ۱۳۶۳: ۱۲۵). فرآیند چنین روندی، شهری شدن را در عملکرد خود نامتعادل ساخته و در نتیجه به زیان شهرهای کوچک و متوسط تمام شده است. برای ایجاد تعادل و به منظور شکل‌دادن فضاهای مناسب و همگون، بحث برنامه‌ریزی منطقه‌ای مطرح شده و اولین گام در برنامه‌ریزی منطقه‌ای شناخت نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف می‌باشد. توسعه یکپارچه و متوازن ناحیه‌ای، کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای در سطح کلان، پیوند منطقی مابین برنامه‌های ملی و محلی و آسیب‌شناسی ناحیه‌ای و برنامه‌ریزی برای روند توسعه فراگیر ناحیه‌ای از وظایف برنامه‌ریز ناحیه‌ای است (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۲۳). لذا پژوهش حاضر بر اساس ضرورت موضوع خدمات شهری در نمونه کلانشهر اهواز به مطالعه پرداخته است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

روش تحقیق

شیوه تحقیق در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری به معنای تبیین حرکت در جهت رسیدن به حقایق مربوط به ساخت و توسعه شهر است (مطوف، ۱۳۶۷: ۴۱). در این ساخت و توسعه شاخص‌های و عواملی دخالت دارند که می‌تواند میزان توسعه را تغییر دهد (الاجگردی، ۱۳۷۶: ۱۶۱).

این پژوهش بر فرض استوار است: الف) به نظر می‌رسد میان مناطق شهری از نظر توسعه و خدمات شهری در سطح کلانشهر اهواز بر اساس محدوده سیاسی-اداری تفاوت و نابرابری توسعه وجود دارد. که در راستای فرض مورد نظر روش تحقیق این پژوهش نیز ترکیبی از روش‌های توصیفی، اسنادی و تحلیلی و با ماهیت توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد. جامعه آماری مناطق هشت‌گانه کلانشهر اهواز را شامل می‌شود. جها تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و EXCEL و GIS انجام پذیرفته است.

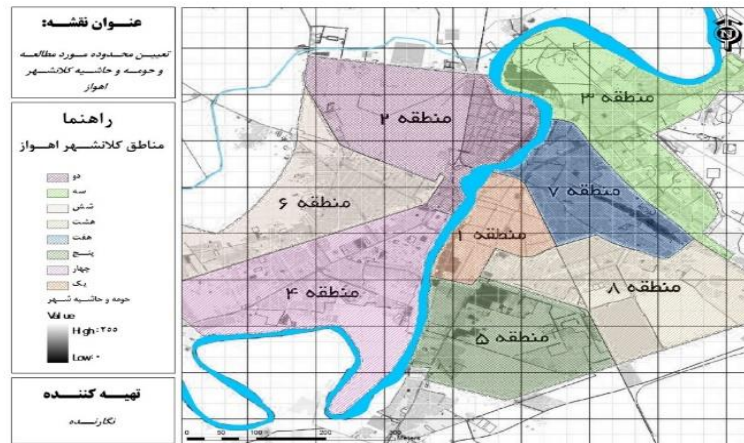
اهداف تحقیق

بر مبنای تعریف هدف، که عبارت است از: نتایج مورد انتظاری که فعالیت‌های ما به سوی آنها جریان پیدا می‌کند (آیت الهی، ۱۳۷۷: ۵۹). منظور از هدف نقطه‌ای است که قصد وصول به آن را داریم و طبیعتاً اینک از آن نقطه در فاصله‌ای دور از آن قرار داریم (قانع بصیری، ۱۳۷۳: ۵۹). لذا، هدف از انجام تحقیق حاضر ارزیابی و سطح‌بندی مدیریت شهری در قالب خدمات شهری ارائه شده می‌باشد.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اغلب کشورهای در حال توسعه از روند توسعه فضایی سکونتگاه‌ها و نحوه توزیع منطقه‌ای جمعیت و فعالیت اقتصادی خود ناراضی هستند (Mathur, 1997: 65). به‌ویژه، تمرکز بیش از حد فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیت در بزرگ‌ترین شهر این کشورها (نخست شهرها)، نه تنها باعث جذب بخش عمده‌ای از پتانسیل‌های توسعه‌ای این کشورها به این شهرها شده است، بلکه خود این نخست شهرها با مسائل و مشکلات عدیده‌ای مواجه شده‌اند (Sawers, 1989: 841). بدین جهت برای حل مسائل نخست شهری و ایجاد تعادل در شبکه سکونتگاهی صاحب‌نظرانی همچون ماتور توسعه فضایی بر محور شهرهای متوسط را پیشنهاد می‌کند و معتقد است که شهرهای متوسط، در برقراری توازن و تعادل ملی و منطقه‌ای می‌توانند ایفای نقش کنند. شهرهای متوسط کارایی بیشتری نسبت به شهرهای بزرگ و کوچک دارند و با کمک به کاهش تمرکز جمعیت در مراکز کلان‌شهری، به تعادل در توزیع جمعیت، فعالیت‌ها و منابع کمک می‌کنند. آنسو نیز توسعه و تقویت شبکه‌ای از شهرهای متوسط را که قابلیت پذیرش جمعیت بیشتری از خود بروز داده‌اند، در تکمیل شبکه شهری، مناسب دانسته و برای برقراری رابطه مناسب در ایجاد تعادل بین زیستگاه‌های شهری و روستایی، وجودشان را الزامی می‌داند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱). کلاس کانزمان حمایت و تقویت شهرهای متوسط را کلید موفقیت خط‌مشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای می‌داند. وی نقش‌ها و عملکردهایی را برای شهرهای متوسط برمی‌شمارد و آن‌ها را پایه نظری راهبردهای توسعه برای یک الگوی شهرنشینی متوازن و متعادل می‌داند (تقوایی و همکاران، ۱۳۸۸: ۹). توجه به شهرهای میانی در تعادل بخشی به سلسله‌مراتب سکونتگاهی از میان همین نظریات شکل گرفته است؛ بنابراین شهرهای میانی از مناسب‌ترین موقعیت برای تعادل در سلسله‌مراتب سکونتگاهی برخوردار بوده و با پذیرش نقش «مرکز» نسبت به «پیرامون» خود در مقیاس منطقه‌ای، علاوه بر رشد خود موجب تثبیت بنیان‌های لازم رشد در منطقه و توسعه حوزه نفوذ خود خواهند شد (امکچی، ۱۳۸۳: ۲۵).

معرفی منطقه مورد مطالعه

کلانشهر اهواز مرکز استان خوزستان، ارتفاع آن از سطح دریا ۱۸ متر می‌باشد. و در موقعیت جغرافیایی بین ۳۱ درجه و ۱۳ دقیقه تا ۳۱ درجه و ۲۳ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۳۲ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۴۷ دقیقه طول شرقی واقع شده است (معروف‌نژاد، ۱۳۹۰: ۶۹). وسعت کلانشهر اهواز در محدوده قانونی شهری ۲۲۲ کیلومتر مربع و محدوده خدماتی ۳۰۰ کیلومتر مربع است و دارای ۸ منطقه شهری می‌باشد (مهندسین مشاور فجر توسعه، ۱۳۹۱: ۱) که به وسیله رودخانه کارون به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌شود. جمعیت کلانشهر اهواز در اولین سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۳۵) برابر ۱۲۰۰۹۸ نفر و در آخرین سرشماری یعنی (۱۳۹۰) برابر با ۱۱۳۳۰۰۳ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰). این شهر به دلیل کارخانجات صنعتی و پالایشگاه نفت، از آلودگی بالایی برخوردار بوده و گرد و غبار هم به صورت روندی افزایشی هر ساله مشکلات زیست‌محیطی اهواز را چند برابر کرده است.



شکل (۲): تعیین محدود کلانشهر اهواز و حومه و حاشیه شهر

مفاهیم بنیادی تحقیق

توسعه و توسعه شهری

تعریف توسعه به معنای «عام» آن عبارت است از «فرآیندی که در آن رفاه جامعه در کل به طور مداوم و پیوسته افزایش می‌یابد (روزبهان، ۱۳۷۹: ۲۳۷)». توسعه شهری در قالب شهرسازی به عنوان اقدامی از پیش اندیشیده شده برای سکونت انسان سابقه‌ای بس طولانی دارد و بر مبنای اطلاعات فعلی تقریباً اولین اقدامی که بتوان عنوان اقدامی شهرسازانه به آن اطلاق کرد احداث شهر موهونجودارو در پاکستان در ۲۱۵۰ سال قبل از میلاد مسیح است. همچنین برخی دولت شهرهای یونانی یا شهرهایی را که در دوره ساسانیان در مرکز و شمال شرقی ایران ایجاد گردیده است را می‌توان اقدامی شهرسازانه تلقی کرد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای

برنامه‌ریزی منطقه‌ای فرآیندی است در جهت مشارکت مردم و مناطق در برنامه‌ریزی و فراهم آوردن موجبات برنامه‌ریزی از جهت انطباق با برنامه‌های کلان ملی و ویژگی‌های منطقه‌ای (معصومی اشکوری، ۱۳۸۵: ۱۰۷). در واقع برنامه‌ریزی منطقه‌ای تصمیم‌گیری و سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها در سطح منطقه، در راستای توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی مناطق مختلف کشور است (زیاری، ۱۳۷۸: ۳۳).

برنامه‌ریزی ناحیه‌ای

برنامه‌ریزی ناحیه‌ای فرآیندی است که برای ایجاد سازگاری میان برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دولت مرکزی از یکسو و حکومت‌های محلی از سوی دیگر تلاش می‌کند (Morgan et al, 1974: 34). میسرا معتقد است که تمام فرایندهای برنامه‌ریزی و توسعه باید در جهت رفاه بشر تنظیم شود و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای نیز از این قاعده مستثنی نیست (Honjo, 1981). فرایند توجیه، تبیین و روشن کردن آرمان‌های اجتماعی و ارائه راه‌حلی در جهت سامان دادن به فعالیت‌ها در اقتصاد فوق شهری را برنامه‌ریزی ناحیه‌ای گویند. در واقع برنامه‌ریزی ناحیه‌ای مولود نابرابری‌های ناحیه‌ای است (مجتهدزاده، ۱۳۶۸: ۶۵).
-برخوردار، نیمه برخوردار و محروم: نواحی استان براساس میزان برخوردار یا عدم برخوردار از شاخص‌های توسعه به سه ناحیه برخوردار، نیمه برخوردار و محروم طبقه‌بندی شده است.
-شاخص: معیار کمی و کیفی که در هر مکان و زمانی متفاوت می‌باشد را گویند.

شاخص توسعه انسانی (HDI)

سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ با تهیه گزارش‌های توسعه انسانی سالانه برای تمام کشورها، چارچوب فکری نوینی در ادبیات توسعه تحت عنوان "شاخص توسعه انسانی" شکل داده که در سطح بین‌المللی از اعتبار و جایگاه خاصی برخوردار شده و در اکثر مواقع ملاک عمل و تصمیم‌گیری در بین سیاستمداران، تصمیم‌گیران و پژوهشگران قرار گرفته است (پورمحمدی و زالی، ۱۳۸۳: ۳۸). از این زمان تاکنون پیوسته این شاخص به خوبی مورد استفاده محققان و کارشناسان علوم مختلف واقع شده است، زیرا مفهوم توسعه انسانی در یک جامعه می‌تواند دربرگیرنده مفاهیم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی باشد؛ در حالی که سایر نگرش‌ها عموماً یک بعدی هستند (تقوایی، ۱۳۸۴: ۱۰۰). بنابراین توجه به این شاخص در شناخت میزان توسعه و محرومیت مناطق شهری، روستایی و کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و حتی عدم تعادل در بین گروه‌ها می‌تواند مفید باشد.

در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۰ سازمان ملل در تعریف توسعه انسانی چنین آمده است:

توسعه انسانی روندی است که طی آن امکانات افراد افزایش می‌یابد. هرچند این امکانات با مرور زمان می‌تواند اساساً دچار تغییر در تعریف شود (ازکیا، ۱۳۷۷: ۲۲)، اما در کلیه سطوح توسعه مسأله بنیادین برای مردم عبارت است از: برخورداری از زندگی طولانی همراه با تندرستی، دستیابی به دانش و توانایی نیل به منابعی که برای پدید آوردن سطح مناسب زندگی لازم است. چنانچه این سه امکان غیر حصول باقی بماند، بسیاری از موقعیت‌های دیگر زندگی دست نیافتنی خواهد بود.

نظریه فضایی توسعه منطقه‌ای

نظریه‌های فضایی در مورد توسعه منطقه‌ای بیشتر از دو منبع نظری با ماهیت اقتصادی و اجتماعی ناشی می‌شوند «نظریه تبادل فضایی» و «نظریه کنزی تقاضا» در نظریه نخست فرض بر این است که شهرها و منطقه‌ها به عنوان «ناحیه آزاد مبادله‌های فضایی» عمل می‌کنند بدون تعرفه و در شرایط مبادله آزاد، فارغ از پایش مهاجرت، مبادله و گردش سرمایه. براساس نظریه، تقاضا برای تولید منطقه‌ای عاملی خارجی محسوب می‌شود (تقاضای موجود در خارج از منطقه) و تولید براساس «مزیت‌های نسبی و رقابتی» موجود در منطقه انجام می‌گیرد. پدیده «وابستگی فضایی» در این رهگذر از میزان وابستگی سطح توسعه‌ی یک کشور یا منطقه به تبادل فضایی و میزان تأثیرگذاری آن به شهرها و منطقه‌های دیگر حکایت می‌کند. از لحاظ جغرافیایی این فرآیند به شکل تخصصی شدن تولید منطقه‌ای و مبادله فضایی کالاهای تخصصی تبیین می‌شود. الگوی پیوند رشد منطقه‌ای بر فعالیت‌های توسعه‌زا و قابل مبادله اتکاء دارند و به «رویکرد پایه صادراتی» در علم اقتصاد فضا مربوط می‌شوند و در این میان پدیده «همگرایی» را در رابطه با تبادل فضایی مطرح می‌نمایند (Malmberg, 2000).

هرچه میزان همگرایی یک شهر یا منطقه با دنیای بیرونی خود بیشتر باشد از نظر اجتماعی، توانایی آن در رسیدن به سطح‌های پیشرفته‌تر توسعه، بیشتر خواهد شد. در کنار توان همگرایی عامل بالقوه دیگر تعیین‌کننده «توانایی اجتماعی رسیدن» میزان انباشت «سرمایه انسانی» است. این پدیده برای توسعه شهری و منطقه‌ای از اهمیت حیاتی برخوردار است. بدین ترتیب پدیده رسیدن به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی و باز بودن درهای تبادل فضایی از عامل‌های تعیین‌کننده توسعه شهری و منطقه‌ای می‌باشد (Summers, 1991).

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

مدل HDI

شاخص توسعه انسانی^۱ (HDI) بیشتر توسط برنامه توسعه سازمان ملل^۲ (UNDP) استفاده می‌شود (مودت و صفایی پور، ۱۳۹۲: ۱۰۹) که در اندازه‌گیری‌های مربوط به توسعه، متغیرهای اجتماعی و فرهنگی را بیشتر مورد تأکید قرار می‌دهد. به همین دلیل متغیرهایی مانند حق انتخاب مردم، دسترسی به آموزش، غذا، خدمات بهداشتی، امنیت، تفریح، آزادی سیاسی و فرهنگی مورد توجه قرار می‌گیرد (رضوانی، ۱۳۸۳: ۱۵۳). اربپی. میسرا در کتاب «بینش‌های متغیر توسعه» (۱۹۸۱) توسعه را یک ایدئولوژی به شمار می‌آورد، و آن را دستیابی فزاینده انسان به ارزش‌های فرهنگی خود می‌داند. البته نباید فراموش کرد که توسعه همان رشد اقتصادی نیست، زیرا توسعه جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۱: ۳۲). توسعه یافتگی در جنبه نظری، بدین معنی است که افراد و گروه‌های اجتماعی یک سرزمین قادر به تعیین سرنوشت خویش شوند و بتوانند اهداف ملی را با انتخاب آگاهانه، براساس شرایط و امکانات خویش، به پیش برند. بدون اینکه در مناسبات و روابط خود با مشکلاتی همچون بحران، وابستگی، استثمار و سلطه مواجه گردند (سعیدی، ۱۳۷۵: ۲۹۹).

رسیدن به توسعه به شرایط و عوامل مختلفی بستگی دارد که باید در کنار هم قرار گیرند تا اهداف توسعه محقق شوند. تجربه توسعه در کشورهای جهان سوم حداقل در بخش روستایی نشان می‌دهد که، نحوه نگرش به توسعه و روش‌ها و راهبردهای اتخاذ شده نقش کلیدی در موفقیت یا عدم موفقیت برنامه‌های توسعه دارد (زیاری، ۱۳۹۱: ۷۸).

در کنار تحولات کمی ایجاد شده در علم جغرافیا که از آن به عنوان انقلاب کمّیتی در جغرافیا یاد می‌شود، تحولات دیگری نیز در این علم در رابطه با اشکال، مفاهیم، کارایی، گروه‌بندی و بهره‌گیری علوم مختلف مطرح شده که این تحولات را «انقلاب هفتگانه جغرافیایی» می‌نامند. یکی از این انقلابات هفتگانه، «انقلاب آماری و مدلی» نامگذاری شده است. از سوی دیگر توسعه و توسعه نیافتگی مناطق از جمله مباحثی است که در بین اقتصاددانان و برنامه‌ریزان مطرح است. در همین راستا وجود نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای که علاوه بر ویژگی‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی، متأثر از سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها است، برنامه‌ریزان را برآن داشته که تکنیک‌ها و روش‌هایی را ابداع کنند تا از طریق تعیین درجه توسعه یافتگی و رتبه‌بندی مناطق بتوانند به شناخت و تحلیل علل یا عوامل نابرابری‌ها و تفاوت‌های منطقه‌ای دست یابند (بدری، ۱۳۸۵: ۶).

در زمینه سنجش و تعیین سطوح توسعه یافتگی انواع مختلفی از روش‌ها و تکنیک‌های کمی وجود دارد که بسته به میزان اعتبار و وثوق اطلاعات در دسترس و مهارت‌های برنامه‌ریزان محلی، برای سازماندهی و ارزیابی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرند. از جمله این روش‌ها می‌توان به تحلیل تاکسونومی، تحلیل عاملی، تحلیل خوشه‌ای، تحلیل شبکه اجتماعی، تحلیل سلسله مراتبی، مدل موریس و مدل شبکه‌های عصبی اشاره کرد. به کارگیری این روش‌های کمی، برای سنجش توسعه یافتگی مناطق، نه تنها تفاوت‌های مناطق مختلف را براساس متغیرهای مختلف آشکار می‌سازد، بلکه از طرف دیگر می‌توان با آگاهی از این ناهمگنی‌ها در سطح مناطق و با در اختیار داشتن اطلاعات جامع و مفیدی از امکانات و محدودیت‌ها و نابرابری‌ها، به وسیله هدایت منابع به سمت مناطق کمتر توسعه یافته، زمینه تعدیل نابرابری‌ها در بین سکونتگاه‌ها را فراهم کرد. این روش یکی از روش‌های پرکاربرد در مطالعات جغرافیای ناحیه‌ای است. سازمان ملل متحد، برنامه‌ای را تحت عنوان «برنامه عمران ملل متحد» برای درجه‌بندی ۱۳۰ کشور جهان از لحاظ توسعه منابع انسانی به کار برده است. این مدل قابلیت گسترش و

۳ - Human Development Index

۴ - United Nations Development Programme

جایگزینی را دارا بوده و در هر کشور برای بررسی تطبیقی و انتخاب مناطق، شهرها و یا نواحی به منظور بررسی و سنجش درجه توسعه یا محرومیت آنها کاربرد دارد (زیاری، ۱۳۹۱: ۸۸).

در واقع روشی برای سطح‌بندی مناطق، شهرها، روستاها و غیره می‌باشد. به طوری که در این سطح‌بندی، مکان‌های واقع در یک سطح شباهت زیادی با همدیگر داشته، اما تفاوت قابل توجهی با مکان‌های سطوح دیگر دارد. این مدل در سه مرحله انجام می‌پذیرد (ملکی و مودت، ۱۳۹۳: ۸):

مرحله اول: تعریف اندازه توسعه از لحاظ شاخص‌های مورد نظر، از طریق روش زیر:

$$I_{ij} = \frac{(X_{ij} - \text{Min}_j X_{ij})}{(\text{Max}_j X_i - \text{Min}_j X_i)} \quad \text{رابطه (۱)}$$

مرحله دوم: تعریف شاخص متوسط یا میانگین محرومیت (I_j)، که می‌توان از رابطه زیر بدست آورد:

$$I_j = \frac{1}{n} \sum_i^{n=x} I_{ij} \quad \text{رابطه (۲)}$$

مرحله سوم: اندازه‌گیری میزان توسعه یا محرومیت که شاخص مزبور به تفاوت عدد یک از متوسط محرومیت خواهد بود:

$$(HDI)_i = (1 - I_j) \quad \text{رابطه (۳)}$$

لازم به ذکر است که نتایج محاسبات، عددیست بین ۰ و ۱ که در قسمت میانگین محرومیت (مرحله دوم)، هر چه عدد مورد نظر به ۰ (صفر)، نزدیک باشد وضعیت بهتر ولی در مرحله سوم محاسبات هر چه عدد بدست آمده به عدد ۱ (یک) نزدیکتر باشد نشانگر وضعیت توسعه یافتگی بیشتر است. و نکته دیگر اینکه، طبقه‌بندی میزان توسعه و محرومیت براساس پراکندگی و یا نزدیکی اعداد طیف‌های مختلفی در گزارشات و مطالعات ارائه گردیده است. اما به طور معمول در مطالعات طیف مورد نظر را ۳ یا ۵ (مانند طیف لیکرت) در نظر می‌گیرند. همانطور که سازمان ملل در بعضی سال‌های طیف مورد نظر را در بعضی گزارشات ۳ و بعضی دیگر ۵ طیفی ارائه نموده است.

تحولات فضایی شهر اهواز

در حال حاضر فرم کلی شهر اهواز یک فرم نیمه متمرکز - نیمه خطی است از آن جهت متمرکز است که هسته‌های قدیمی شهر که در حال حاضر بازار شهر را در خود جای داده است و مرکزیت خود را از نظر ظاهری عملکردی، تراکم و دسترسی تقریباً حفظ کرده ولی دائماً در حال تضعیف بوده و مرکزیت آن رو به کاهش است. این تناقض در شبکه دسترسی‌ها و نحوه گسترش شهر و پراکندگی عملکردهای شهری به وضوح به چشم می‌خورد در نتیجه فرم کلی شهر را نمی‌توان کاملاً متمرکز دانست. در عین حال از آن جهت می‌توان فرم کلی را خطی یا محوری دانست که شهر در امتداد یک یا دو محور در حال گسترش و شکل‌گیری است. چهار محور اصلی در شکل‌گیری فرم فعلی و فرم آینده شهر نقش دارند. با این وجود نمی‌توان گفت که فرم کلی شهر اهواز در حال حاضر خطی یا محوری است، چرا که محورهای موجود صرفاً شبکه دسترسی‌ها و امکانات فیزیکی شهر را می‌تواند جوابگو باشد، اما از نقطه نظر ظاهری، روانی و تراکم همچنان هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر مرکزیت

دارند. در نتیجه می توان گفت که فرم کلی در حال حاضر یک فرم ترکیبی خطی- مرکزی است. مرکز شهر همان هسته اولیه و خصوصاً بازار بوده و خطوط محوری فرم شهر همان شبکه دسترسی های بین شهری خصوصاً اهواز- خرمشهر می باشد. البته منطقی ترین فرم قابل درک برای این شهر فرمی است خطی که امتداد آن مسیر رودخانه کارون بوده و هسته های اولیه شهر در وسط این خط قرار گرفته اند زیرا همزیستی بین رودخانه و شهر روندی تاریخی داشته و انقطاع از این روند چهره ناهمگونی به شهر خواهد بخشید (شریفی، ۱۳۸۸: ۸۴).

ویژگی های کالبدی شهر اهواز

اهواز شهری است که شریان های اصلی آن در امتداد شمال شرقی- جنوب غربی و شمال غربی- جنوب شرقی کشیده شده است و ساختاری شطرنجی به شکل مورب برای آن به وجود آورده است. همچنین خیابان های فرعی آن به موازات همین شریان های اصلی کشیده شده اند. شهر دارای چند مرکز فعالیتی می باشد اما مرکز اصلی آن تقریباً در مرکز هندسی آن قرار گرفته است.



شکل (۳): ساختار کلانشهر اهواز

مأخذ: حیدری نیا، ۱۳۹۳.

بافت شهر

در این بخش بافت شهر از نظر تراکم، ریزدانی و فضاهای پر و خالی مورد بررسی قرار می گیرد. الف) تراکم: تراکم ساختمانی و همچنین تراکم جمعیتی شهر در قسمت های میانی و بافت قدیمی شهر کمتر می باشد. اما قسمت های جنوب غربی و جنوب شرقی شهر و پس از آن شمال شرقی و شمال غربی به ترتیب متراکم تر می باشد (آمارنامه کلانشهر اهواز، ۱۳۹۳).

ب) ریزدانی: ریزدانی از جمله شاخص هایی است که در تعیین آسیب پذیری شهری نیز مورد استفاده قرار می گیرد. در بافت های ریزدانه به سبب کم بودن فضای باز در خانه ها، تلفات ناشی از ریزش آوار ساختمانی بیشتر و آواربرداری و امداد رسانی نیز مشکل تر است. در کلانشهر اهواز به دلیل وسعت زیاد و وجود زمین کافی، به استثناء مناطق حاشیه ای، از لحاظ ریزدانی و منظر پدافند غیرعامل مشکل چندانی ندارد.

ج) نسبت فضاهای پر و خالی: وجود فضاهای خالی (ساخته نشده) یا فضای سبز (پارک ها، مزارع، نخلستان ها و باغات) در بافت های شهری این امکان را فراهم می کند تا در زمان وقوع بحران از این فضاها بعنوان مکان های اسکان موقت و پایگاه های

امدادرسانی بهره برد. علاوه بر این وجود اینگونه فضاها عملیات امدادرسانی و آواربرداری را نیز تسهیل می‌کند. همانطور که در نقشه زیر قابل مشاهده است شهر اهواز از این فرصت استفاده کرده و دارای فضای باز نسبتاً زیادی می‌باشد.

ویژگی‌های جمعیتی شهر اهواز و تحولات آن

میزان رشد جمعیت در هر ناحیه نتیجه تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در طول زمان بوده و به عوامل زاد و ولد، مرگ و میر، برون‌کوچی و درون‌کوچی هر جامعه مرتبط می‌باشد (قدیری‌معصوم، ۱۳۷۷: ۳۱۰). شهر اهواز در حوالی سال ۱۲۸۵ روستایی با ۷۰۰ نفر جمعیت بوده که بر اثر عوامل سیاسی، اقتصادی توسعه محسوسی داشته است (زنجان، ۱۳۷۰: ۱۳۳). روند رو به افزایش جمعیت آن از آمار جمعیتی سال ۱۳۲۹ مشهود است، به طوری که جمعیت ۵۲۶۰۹ نفری نسبت به دوره‌ی قبل، ۷۵ برابر افزایش داشته است. طی ۵۰ سال جمعیت شهر اهواز با رشد ۴/۳۷ درصد از ۱۲۰۰۹۸ نفر به ۹۸۵۶۱۴ نفر رسیده، یعنی ۸/۳ برابر شده است. جمعیت اهواز طی ۱۵ سال با رشد سالانه ۵ درصد افزایش، بیش از دو برابر در سال ۷۰ نسبت به ۵۵ رسیده است (صفایی‌پور و سجادی، ۱۳۸۶: ۱۴).

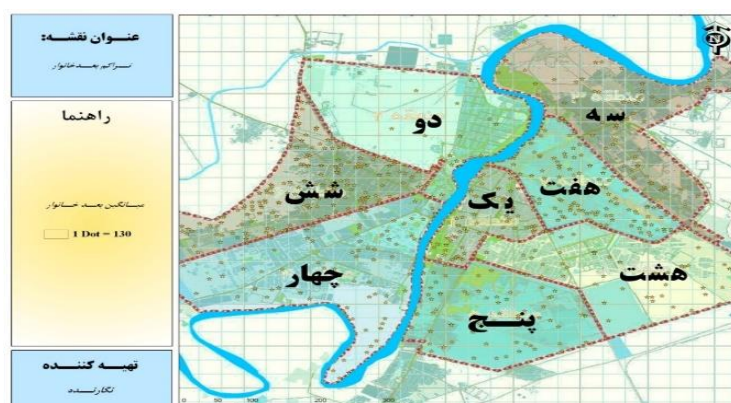
جدول (۱) جمعیت، رشد سالانه و میزان مهاجرت کلانشهر اهواز

سال	جمعیت	متوسط رشد سالانه	میزان مهاجران (درصد)
۱۳۳۵	۱۲۰۰۹۸	-	۲۷/۳
۱۳۴۵	۲۰۶۳۷۵	۵,۷	۲۹/۳
۱۳۵۵	۳۳۴۳۹۹	۶,۲	۳۰/۹
۱۳۶۵	۵۷۸۲۱۹	۵,۶	۰/۱۵
۱۳۷۵	۸۰۴۹۸۰	۳,۳	۰/۸
۱۳۸۵	۹۸۵۴۳۲	۴,۳	۰/۰۳
۱۳۹۰	۱۱۳۳۰۰۳	-	-

مأخذ: محمدی ده چشمه، ۱۳۹۱: ۷۴ و مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰.

جمعیت

بر اساس نمودار زیر در بین ۸ منطقه شهری اهواز منطقه شش با میزان جمعیت ۱۷۲۳۲۷ نفر بیشترین جمعیت را دارا می‌باشد. و منطقه پنج شهری با میزان جمعیت ۵۸۴۰۱ نفر در سال ۱۳۹۰ کمترین میزان جمعیت را دارا بوده است.



شکل (۴): توزیع تراکم اجتماعی در شهر اهواز سال ۱۳۹۱

بر اساس شکل فوق:

بیشترین تراکم اجتماعی در منطقه یک، هفت و شش شهر اهواز قرار دارد و منطقه شهری کمترین تراکم را دارا می باشد. در نتیجه بر اساس توزیع جمعیت چنانچه خدماتی قرار باشد صورت گیرد تناسب آن در مناطق متفاوت خواهد بود.

پارک های شهری

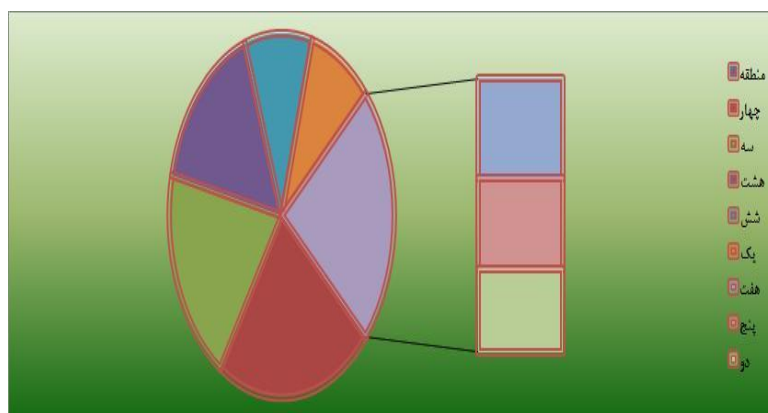


شکل (۵) مقایسه پارک های شهری و محلی در مناطق هشتگانه کلانشهر اهواز

بر اساس نمودار فوق:

بیشترین تعداد پارک های محلی و شهری در منطقه چهار کلانشهر اهواز قرار دارد. و در مرحله بعد منطقه سه شهری بیشترین میزان را دارا می باشد.

-میزان پارک های محلی و شهری تقریباً در تمام مناطق شهری برابر بوده و به عبارتی به موازات یکدیگر رشد کرده اند.
-در خصوص تعداد پارک های شهری و محلی تنها مناطق دو و یک کلانشهر اهواز دارای تفاوتی نسبت به دیگر مناطق می باشند. به عبارتی تعداد و رشد آنها با هم برابر نبوده است. تا جایی که پارک شهری منطقه دو بیشتر از پارک محلی می باشد.

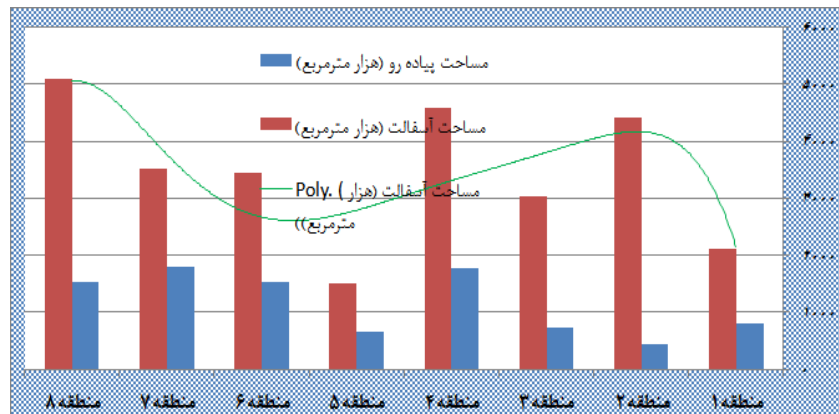


شکل (۶) مقایسه پارک های شهری و محلی در مناطق ۸گانه کلانشهر اهواز

بر اساس نمودار فوق:

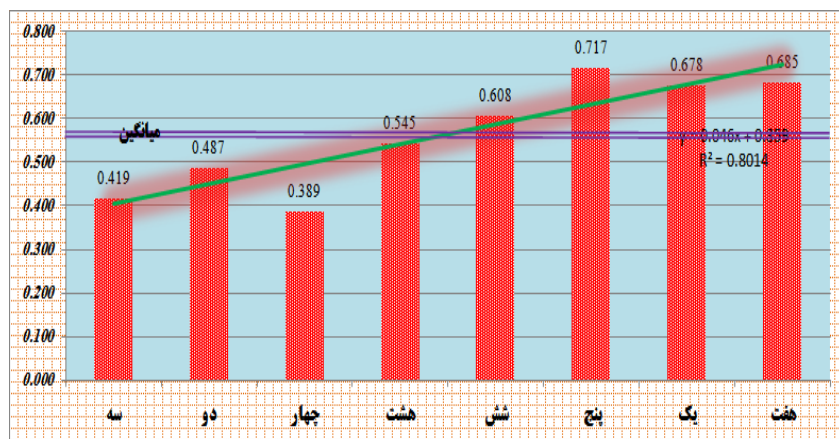
بیشترین تعداد پارک های محلی و شهری در منطقه چهار کلانشهر اهواز قرار دارد. و در مرحله بعد منطقه سه شهری بیشترین میزان را دارا می باشد.

- میزان پارک های محلی و شهری تقریباً در تمام مناطق شهری برابر بوده و به عبارتی به موازات یکدیگر رشد کرده‌اند.
 - در خصوص تعداد پارک‌های شهری و محلی تنها مناطق دو و یک کلانشهر اهواز دارای تفاوتی نسبت به دیگر مناطق می‌باشند. به عبارتی تعداد و رشد آنها با هم برابر نبوده است. تا جایی که پارک شهری منطقه دو بیشتر از پارک محلی می‌باشد.



شکل (۷) مقایسه مساحت پیاده رو و آسفالت در مناطق ۸ گانه کلانشهر اهواز سال ۱۳۹۰

بر اساس مدل شاخص توسعه انسانی وضعیت توسعه و فقر در کلانشهر اهواز در شاخص مورد مطالعه به شرح زیر می‌باشد:
 - بر اساس مدل شاخص توسعه انسانی مناطق هشت، چهار، دو و سه از نظر میانگین برخورداری و مدیریت شهری نسبت به دیگر مناطق در سطح پائین میانگین قرار دارند.
 - بر اساس مدل شاخص توسعه انسانی مناطق پنج و سه به ترتیب دارای بیشترین و کمترین میزان شاخص مورد مطالعه را در کلانشهر اهواز دارا بوده‌اند.



شکل (۸) رتبه‌بندی میزان توسعه مدیریت شهری در کلانشهر اهواز در شاخص‌های مورد مطالعه

بحث و نتیجه‌گیری

در فرآیند برنامه ریزی توسعه، شناخت، تحلیل امکانات و تنگناها و سطح‌بندی مناطق از نظر برخورداری و محرومیت دارای اهمیت بسزایی می‌باشد. تفاوت‌های بارز میان مناطق در اندازه برخورداری از امکانات طبیعی، اقتصادی، اجتماعی، همواره محققان را بر آن داشته است تا با استفاده از آمار و اطلاعات و پیاده کردن آنها در قالب مدل و نرم‌افزارهای رایانه‌ای به تحلیل

این فقدان تعادل فضایی پرداخته و به سهم خود میزان تفاوت و درجه‌بندی مناطق از حیث برخوردارگی و محرومیت را بیان نمایند. بر همین مبنا در پژوهش حاضر با رویکرد توسعه‌ای- کاربردی به بررسی موضوع در کلانشهر اهواز پرداخته است که بر اساس نتایج مشخص گردید. میزان برخوردارگی و محرومیت در مناطق شهری دارای تفاوت زیادی می‌باشد به طوریکه میانگین شاخص HDI برابر (۰/۵۶۶) درصد بوده است. که مناطق هفت، یک، پنج و شش از نظر میانگین برخوردارگی و مدیریت شهری نسبت به دیگر مناطق در شاخص مورد مطالعه در سطح بالای میانگین قرار دارند.

بنابراین برای مدیریت یکپارچه شهری مهمترین شرط روش شناسانه، اتخاذ رویکرد سیستمی و کل‌نگر نسبت به مولفه‌های توسعه شهر و برقراری انسجام نظام‌یافته در هر زمینه جغرافیایی و عملکردی است که تحقق چنین شرطی در قالب یک رویکرد استراتژیک به مدیریت شهری است. پس برای پوشش کامل همه امور شهری توسط چارچوب سازمانی مدیریت شهری باید به نحوی طراحی شود که تمام امور در هر زمینه‌ای جغرافیایی و یا عملکردی را تحت پوشش قرار می‌دهد. در چنین شرایطی هماهنگی‌ها و روابط بین سازمان از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به گونه‌ای که تمام سازمان‌ها و ادارات مؤثر و مسئول امور شهری باید در قالب یک سیستم هدفمند و هماهنگ عمل کنند و به ایفای مسئولیت بپردازند.

منابع

- الاجگردی، احمد (۱۳۷۶)، «مسکن بهینه (نمونه موردی شهر تبریز)»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تبریز، دانشکده علوم انسانی - اجتماعی دانشگاه تبریز.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷)، «جامعه شناسی توسعه»، تهران: انتشارات کلمه.
- اعتماد، گیتی (۱۳۶۳)، «شهرنشینی در ایران»، تهران: انتشارات آگاه.
- آمارنامه کلان شهر اهواز (۱۳۹۳)، «معاونت برنامه ریزی و توسعه شهرداری اهواز»، انتشارات روابط عمومی و امور بین المللی شهرداری اهواز.
- امانپور، سعید و مودت، الیاس (۱۳۹۲)، «سنجش میزان توسعه و فقر در استان خوزستان»، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی شهری، دانشگاه مازندران، دوره اول، شماره اول.
- آیت الهی، علیرضا (۱۳۷۷)، «اصول برنامه ریزی»، تهران: انتشارات مرکز مدیریت دولتی.
- بدری، سیدعلی (۱۳۸۵)، «تعیین سطوح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان کامیاران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۸۲
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۱)، «مسکن کردهای شمال خراسان»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳.
- پورمحمدی، محمدرضا و نادر زالی (۱۳۸۳)، «توسعه انسانی، چالش ها و چشم اندازها (بانگهی به شاخص های توسعه انسانی در ایران)»، نشریه دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز، شماره ۱۵.
- تقوایی، مسعود، (۱۳۸۴)، «بهره گیری از شاخص مرکب توسعه انسانی به منظور تعیین میزان محرومیت و طبقه بندی مناطق شهری استان های کشور»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، سال اول.
- حسین زاده دلیر، کریم (۱۳۸۴)، «برنامه ریزی ناحیه ای»، تهران: انتشارات سمت.
- حیدری نیا، سعید (۱۳۹۳)، «سنجش الزامات مکانی کاربری های حیاتی و حساس از منظر پدافند غیرعامل مورد مطالعه: کلان شهر اهواز»، استاد راهنما: مصطفی محمدی ده چشمه، استاد مشاور: علی شجاعیان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین و GIS، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۹۳.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۱)، «برنامه ریزی توسعه روستایی (مفاهیم، راهبردها و فرآیندها)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۶۴.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، «مقدمه ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران»، تهران: نشر قومس.
- روزبهان، محمود (۱۳۷۹)، «مبانی توسعه اقتصادی»، تهران: انتشارات تابان.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۷۰)، «مبانی جغرافیای جمعیت»، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۹۱)، «اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیاری، کرامت الله (۱۳۷۸)، اصول و روش های برنامه ریزی منطقه ای، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه یزد.
- سرور، رحیم (۱۳۸۴)، «جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین»، تهران: انتشارات سمت.
- سعیدی، عباس (۱۳۷۵)، «مدل و مدلسازی در جغرافیا»، مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۷.
- شریفی، امید (۱۳۸۸)، «تحلیل سازوکارهای مشارکتی به منظور بازسازی مسکن های آسیب دیده در روستاهای زلزله زده شهرستان بم»، فصلنامه پژوهش های روستایی، سال اول، شماره ۱.
- شکوئی، حسین (۱۳۶۵)، «جغرافیدانان ایران و مسائل مهم جامعه ما، سمینار بین المللی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران»، انتشارات آستان قدس.
- صفایی پور، مسعود، سجادی، ژیلا (۱۳۸۷)، «علل و پیامدهای اجتماعی فضایی مهاجرت درون شهری اهواز (مورد مطالعه: کیان پارس)»، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) جلد بیست و نهم، شماره ۲۱.

- قانع بصیری، محسن (۱۳۷۳)، «از اطلاعات تا آگاهی (نظریه تعادلات سه جزئی)»، چاپ اول، تهران.
- قدیر معصوم، مجتبی، حبیبی، کیومرث (۱۳۸۳)، «سنجش و تحلیل سطوح توسعه یافتگی شهرها و شهرستان‌های استان گلستان»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۳.
- قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۷۷)، «توان سنجی نواحی جغرافیایی ایران برای برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- مجتهدزاده، غلامحسین (۱۳۶۸)، «مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی منطقه ای»، تهران: دفتر آموزش ضمن خدمت وزارت آموزش و پرورش.
- محمدی ده چشمه، مصطفی و محمدی ده چشمه، مسعود (۱۳۹۱)، «تحلیلی جغرافیایی بر نتایج اکولوژیکی ناشی از مهاجرت در شهر اهواز»، فصلنامه جمعیت، شماره ۷۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، «سالنامه آماری استان خوزستان».
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، «گزیاده نتایج سالنامه آماری استان خوزستان».
- مطوف، شریف (۱۳۶۷)، «ارزیابی بازسازی شهر هویزه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- معروف‌نژاد، عباس (۱۳۹۰)، «تأثیر کاربری‌های شهری در ایجاد جزایر حرارتی مطالعه موردی شهر اهواز»، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، سال چهارم، شماره ۱۴.
- معصومی اشکوری، سید حسن (۱۳۸۵)، «اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای»، تهران: انتشارات پیام، تهران.
- ملکی، سعید (۱۳۹۲)، «رشد و گسترش کالبدی شهرها»، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران.
- ملکی، سعید و مودت الیاس (۱۳۹۳) «طیف بندی آسیب فیزیکی - اجتماعی شهرها در برابر زلزله مورد شناسی شهر یزد»، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۸، دانشگاه تربیت مدرس.
- مهندسین مشاور فجر توسعه (۱۳۹۱)، «مطالعات بافت فرسوده و توانمندسازی محلات شهر اهواز لشکر آباد، کوی علوی، کوی سیاحی»، مدیر طرح مهران علی‌الحسابی.
- مودت، الیاس و صفایی‌پور، مسعود (۱۳۹۲)، «ارزیابی استان‌ها ایران با تاکید بر شاخص‌های اجتماعی - اقتصادی و شاخص ترکیبی توسعه انسانی با استفاده از تکنیک تاپسیس و GIS»، فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال اول، شماره ۳.
- مومنی، مهدی (۱۳۷۷)، «اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای»، انتشارات گویا.
- Summers, R. (1991), "The penn world table (Marks): An Expanded Set of international comparison: 150 - 88", *Quarterly Journal of economics*, 106 (2).
- Compell, S. (1996), "Green Cities, Growing Cities, Just Cities? Urban Planning and Contradiction of Sustainable Development", *Journal of the American Planning Association*, Vol. 62, No 3.
- Malmberg, Anders, Bo. Malmberg, Perlunde, Quist, (2000), "Agglomeration and firm performance: Economics of scale, Location and urbanization among Swedish export firms", *From Environment and Planning A-vol 22*, No. 2.
- Morgan, R. and Jeremy, A. (1974), "Regional Planning: A Comprehensive View", Leonard Hill Books.
- Honjo, H.(1981). "Urbanisation and Regional development, Maruzen".

